خبر

مسعود پزشکیان:

اصلاح ساختار دولت نه انتخاب که ضرورت است

مسعود پزشکیان صبح روز چهارشنبه ۷ آبان ۱۴۰۴، در مراسم بزرگداشت «روز پرستار» با اشاره به مواجه شدن دولت چهاردهم با انباشت مشکلات گفت: از روز اولی که کار را در دولت آغاز کردیم، با بحران‌های متعدد روبه رو وبه‌شکل متوالی بامشکلات دست‌وپنجه نرم می‌کنیم. البته باوردارم که قادریم مشکلات را حل کنیم، به‌شرط آنکه دست در دست هم دهیم، اختلافات را کنار بگذاریم و علمی رفتار کنیم. رئیس جمهور با اشاره به وقوع جنگ تحمیلی ۱۲ روزه به‌عنوان یکی از مشکلات حادث شده در ماه‌های اخیر، اظهار داشت: دشمن صهیونیستی تصور می‌کرد وقتی با بمب و موشک به ایران حمله کند، مردم هم به خیابان می‌ریزند و ایران تجزیه می‌شود، اما مردم پاسخی دادند که برای شان غیرقابل تصور بود. پزشکیان با بیان اینکه ما در برخی موارد با افراد درست برخورد نکردیم، یادآور شد: در همین جنگ دیدیم، حتی افرادی که با آن‌ها به شکل صحیح رفتار نشده بود، پای کشور ایستادند و مواضع بسیار مؤثری اتخاذ کردند. این را بدانید که دشمن به دنبال برهم زدن وحدت و انسجام ماست. به گزارش مهر، رئیس جمهور با تقدیر از جان‌فشانی و تلاش جامعه پزشکی در طول جنگ ۱۲ روزه، به‌خصوص پرستاران خدوم، تصریح کرد: هوشیاری مردم و به‌خصوص کادر درمانی در جنگ ۱۲ روزه قابل تقدیر است. آن‌ها باوجوداینکه گلایه‌هایی هم داشتند، اما در جنگ ۱۲ روزه به میدان آمدند، سختی کشیدند و حتی شهید دادند. پزشکیان با تأکید براینکه تسلیم نخواهیم شد و با انسجام و همدلی برمشکلات غلبه خواهیم کرد، اظهار داشت: ما وارث روندی هستیم که اصلاح آن زمان بر و دشوار است. در همه زمینه‌ها بدون آنکه به محدودیت‌های منابع توجه داشته باشیم، ساختار را گسترش و توسعه دادیم و کارهایی کردیم که نباید انجام می‌شد. امروز به جایی رسیده‌ایم که حتی در پرداخت حقوق افراد مشکل داریم؛ در وضعیت فعلی اصلاح و کوچک کردن ساختار نه یک انتخاب که یک ضرورت است. رئیس جمهور با انتقاد از گسترش بی‌رویه ساختارهای اداری تصریح کرد: در ساختار فعلی به جای اینکه منابع در اختیار کسانی قرار گیرد که در حال کار و تلاش هستند، اول حقوق و اضافه‌کاری افرادی پرداخت می‌شود که فعالیت چندانی ندارند و در ادارات نشسته‌اند. در مقابل، به‌عنوان مثال، پرستاری که در بیمارستان در حال تلاش و کوشش است حق و حقوق‌اش کم و دیر پرداخت می‌شود. این شرایط فقط در حوزه پزشکی نیست و در سایر ادارات نیز با همین وضعیت مواجه هستیم و البته تقصیر ماست که طراحی درستی نکرده‌ایم. پزشکیان با بیان اینکه اصلاح ساختار اداری به سادگی اتفاق نمی‌افتد، یادآور شد: آرزوی دشمن این است که نتوانیم اصلاحات را به سرانجام رسانده و بر مشکلات غلبه کنیم، اما با کمک شما و با وحدت و انسجام همه مشکلات را برطرف خواهیم کرد. رئیس جمهور افزود: در هرسال معادل ۱۸۰ میلیارد دلار در کشور بنزین و گاز و نفت مصرف می‌کنیم و این قابل تداوم نیست. برای تأمین انرژی پرمصرف‌ها، برق و گاز کارخانه‌ها قطع می‌شود، درحالی که نباید چنین باشد. وقتی یک کارخانه تعطیل می‌شود، یعنی تولید و درآمد کشور کم می‌شود و تورم به وجود می‌آید. پزشکیان در بخش دیگری از سخنان خود بار دیگر از تلاش‌های جامعه پزشکی تشکر و تصریح کرد: ما قدر شما را می‌دانیم و می‌فهمیم که شما عزیزان چگونه در حال تلاش هستید تا سلامت جامعه حفظ شود و برای بهبود وضعیت شما تلاش می‌کنیم، اما همانطور که گفتم جبران شایسته تلاش‌های شما، نیاز به اصلاح ساختارها دارد که زمان بر است. به‌عنوان مثال رقم اضافه‌کار پرستاران، اصلاً قابل قبول نیست و باید اصلاح شود و ما هم تلاش می‌کنیم آن را اصلاح کنیم، اما نیازمند این هستیم که کسری بودجه کشور را کم کنیم تا بتوانیم این اصلاحات را انجام دهیم. رئیس جمهور افزود: ما برای اصلاحات نیازبه همدلی و همراهی جامعه داریم. راه علمی مسیرش روشن است و اگر مسیر علمی را دنبال کنیم، مشکلات حل می‌شود. پزشکیان با بیان اینکه حفظ سلامت مردم، اولویت ماست، اظهار داشت: شما پرستاران در خط مقدم مبارزه با بیماری‌ها و حفظ سلامت جامعه هستید و با کمک شما و همدلی می‌توانیم، بر مشکلات غلبه و ایرانی باعزت و سربلند بسازیم. رئیس جمهور به تلاش‌های دولت چهاردهم برای غلبه بر بی‌عدالتی‌ها تأکید کرد و گفت: با تمام وجود برای رفع هرگونه مصداق بی‌عدالتی و تبعیض تلاش می‌کنم، اما تحقق این هدف نیاز به تغییرات رفتاری گسترده و عمیقی دارد که ساده و سهل‌الوصول نیست. باید دست به دست هم دهیم و با صلابت برای ایران خودمان تلاش کنیم. پزشکیان با تأکید براینکه سلامت روح و روان مردم بسیار مهم است، تصریح کرد: البته وقتی در عرصه عمومی عده‌ای دیده می‌شوند وعده‌ای دیده نمی‌شوند، یعنی روح و روان آن‌ها که دیده نمی‌شوند، مورد آسیب قرار گرفته است. عدالت یعنی برخورد منصفانه با همه؛ همه آن‌ها که در این آب‌وخاک زندگی می‌کنند. ما وظیفه داریم برای حفظ سلامت روح و روان همه ایرانی‌ها تلاش کنیم و نباید‌ه‌ایم که فقط امرونهی کنیم و رضایت دهیم که رفتارهای ناعادلانه ادامه یابد. در این مراسم پیش از سخنان رئیس جمهور، از پیشکسوتان و پرستاران نمونه کشور با اهدای لوح تقدیر شد.

روز جهانی مبارزه با استکبار جهانی

ادامه از صفحه اول

آنچنان آسیبی به آن‌ها وارد کرد که در میان ملت‌های جهان و ارتش‌های منطقه گفته می‌شود تنها کشوری که حریف رجزخوانی‌های آمریکاست، ایران است.

۲- امام خمینی (ره) بنیانگذار جنبش‌های ضدامپریالیستی در نیم قرن اخیر آن هنگام که آمریکا با تحمیل قانون کاپیتولاسیون می‌خواست عزت ملت ایران را لگدمال کند، ایستاد و با دست خالی رژیم دست نشانده شاه و پشتیبان آمریکایی آن را هدف قرار داد. امروز ایران و جبهه مقاومت به عنوان سدی بزرگ در برابر زیاده‌خواهی‌های آمریکا و تجاوزگری‌های صهیونیسم در غرب آسیا ایستاده و پیروز قطعی میدان است.

۳- کتاب «ایستگاه خیابان روزولت» روایتی مستند از تسخیر سفارت آمریکا در تهران در روزهای نخستین انقلاب است.

این کتاب به روایت تقریظ امام خامنه‌ای «گزارش متقن و پرفایده از یک حادثه مهم در تاریخ انقلاب اسلامی یعنی تسخیر لانه جاسوسی در سال ۵۸ است.»

مستندات این کتاب نشان می‌دهد، سفارت آمریکا در تهران، مرکز جاسوسی، طراحی علیه استقلال کشور، تجزیه و براندازی است.

ردپای آمریکایی‌ها در همه طراحی‌های ضدنظام اسلامی در این سفارتخانه به روشنی و روایت اسناد یک حقیقت تلخ است.

به همین دلیل امام (ره) تسخیر لانه جاسوسی را انقلاب دوم نامید.

امروز هم سفارت آمریکا در هر کشوری مرکز توطئه علیه منافع و مصالح ملی آن کشور است.

۴- عملیات طوفان الاقصی و مقاومت بیش از دوسال ملت فلسطین درغزه و تسلیم آمریکا و رژیم صهیونیستی در برابر حماس از وقایع مهم تاریخ معاصر و نقطه عطفی در سقوط هژمونی آمریکا در منطقه است.

رهبران حماس با تأسی به امام خمینی (ره) و تکیه به راهبرد، «پیروزی خون بر شمشیر» پوزه آمریکا و صهیونیسم را در منطقه به خاک مالیدند و تشت رسوایی مدعیان ارزش‌های لیبرال دموکراسی و حقوق بشر را از بام رسانه‌های جهان به زمین افکندند.

۵- به برکت عملیات طوفان الاقصی و پیروزی ملت فلسطین، جامعه جهانی یک‌صدا علیه نظام آمریکا و تبهکاری‌های صهیونیست‌ها قیام کرد و امروز منفورترین دولت در جهان دولت آمریکا و بی‌حیثیت‌ترین و بی‌اعتبارترین رژیم در جهان رژیم صهیونیستی است.

۶- امروز در خوبان عالم سه گرایش و سه گفتمان مطرح است؛

الف- معنویت گرایی

ب- عدالت طلبی

ج- صلح طلبی

این مفاهیم در گفتمان‌های جهانی مطرح است حتی وارد تئوری‌های دانشگاهی شده است.

انقلاب اسلامی و مقاومت ملت فلسطین به این مفاهم جهت داده است. لذا یک قیام جهانی علیه الحادگرایی و ستم بی‌پایان و جنگ و خونریزی که از طرف امپریالیسم آمریکا نمایندگی می‌شود در مقابل این سه گرایش خوبان عالم قرار می‌گیرد.

این که در آمریکا در یک روز در ۵۰ ایالت و ۲۷۰۰ شهر مردم به خیابان‌ها می‌ریزند و می‌گویند؛ «ماشاه نمی‌خواهیم». این که در مجامع حقوقی جهان بحث محاکمه باند تبهکار نتانیاهو و سران تروریست و جنایتکار رژیم صهیونیستی مطرح است، یک رونمایی از موفقیت هدف گذاری امام (ره) در قیام ۱۵ خرداد و نطق تاریخی علیه کاپیتولاسیون است. امام در این نطق تاریخی همه خوبان عالم در ایران، منطقه و جهان را مخاطب قرار داد.

او اسلام را متضمن صلح طلبی، عدالت خواهی و معنویت گرایی در ایران و جهان می‌دانست و اکنون این پیام به سرتاسر جهان مخابره شده و مخاطب‌های خاص و عام پیدا کرده است.

روز مبارزه با استکبار جهانی در ایران یک روز ملی نیست، یک روز جهانی است. کافی است که تحولات سیاسی در ایران، منطقه و جهان پس از نبرد ۱۲ روزه را خوب مرور کنیم.

توسعه مناسبات با شرق، ضرورتی برای توسعه پایدار و رهایی از وابستگی به غرب است

ایران و چین در مسیر همکاری بلندمدت

گروه سیاسی

ایران در دهه گذشته، بخشی از فرصت‌های توسعه‌ای خود را با تکیه عمده به غرب و انتظار برای نتایج معاهدات بین‌المللی از دست داده است؛ حال آنکه تحت عنوان برجام، وعده‌های اقتصادی فراوانی مطرح شد اما آثار ملموس و پایدار آن برای اقتصاد کشور رخ نداد. در چنین شرایطی، امضای سند ۲۵ ساله همکاری‌های جامع با جمهوری خلق چین در فروردین ۱۴۰۰ (مارس ۲۰۲۱) نقطه عطفی مهم تلقی می‌شود که می‌تواند مسیر ایران را در شرایط پیچیده جهانی بازتعریف کند. اکنون، به نظر می‌رسد ایجاد پیوندهای همه‌جانبه و متنوع با قدرت‌های شرقی نه تنها یک گزینه انتخابی، بلکه ضرورت راهبردی برای ایران باشد. ابتدا باید دید چرا این نوع مناسبات ضروری است. ایران با فشارهای اقتصادی شدید، تحریم‌ها و کاهش سرمایه‌گذاری خارجی مواجه بوده است؛ طبق گزارش‌ها، حجم سرمایه‌گذاری و تجارت ایران با چین در دوره اخیر اگرچه رو به افزایش بوده، اما بسیار کمتر از انتظارات اولیه است. برای نمونه، تجارت غیرنفتی بین ایران و چین در سال ۱۴۰۳ بیش از ۳۴ میلیارد دلار بوده و چین مقصد اصلی صادرات غیرنفتی ایران به شمار می‌رفته است. قرارداد ۲۵ ساله نیز با تعهداتی در حوزه انرژی، زیرساخت، صنعت، فناوری و امنیت تنظیم شده است. ایران از سوی دیگر، در اثر اتکای دیرپای خود به غرب و انتظار برای گشایش‌های بین‌المللی -که با برجام نیز همراه بود- فرصت‌های بزرگی را از جمله در بخش سرمایه‌گذاری، تولید و انتقال فناوری از دست داده است. بر این اساس، تنوع‌بخشی به شبکه روابط خارجی، کاهش وابستگی به بازارها و سرمایه‌های غربی و گسترش همکاری با بلوک‌های شرق، می‌تواند عاملی مهم در امنیت راهبردی و اقتصادی کشور تلقی شود.

قرارداد ۲۵ ساله همکاری‌های جامع ایران و چین، که در فروردین ۱۴۰۰ (مارس ۲۰۲۱) امضا شد، نقطه عطفی در روابط اقتصادی و استراتژیک دو کشور به شمار می‌آید. این سند، که به «برنامه ۲۵ ساله همکاری‌های جامع مشترک جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین» معروف است، مسیر همکاری‌های بلندمدت ایران را مشخص می‌کند و شامل حوزه‌های انرژی، زیرساخت، صنعت، فناوری، مالی و امنیتی می‌شود. هم‌زمان با امضای این قرارداد، روشن شد که ایران در دهه ۱۳۹۰ بخشی از فرصت‌های توسعه‌ای خود را با انتظار برای مذاکرات و توافق‌های غربی از دست داده است؛ نمونه روشن آن، برجام است که با وعده‌های اقتصادی فراوان همراه بود اما در عمل نتایج ملموس و پایدار اقتصادی را برای ایران به همراه نداشت.

حجم سرمایه‌گذاری و بخش‌ها

براساس گزارش‌های غیررسمی و منابع تحلیلی، چین متعهد شده است طی ۲۵ سال، بین ۲۸۰ تا ۴۵۰ میلیارد دلار در ایران سرمایه‌گذاری کند:

بخش انرژی و پتروشیمی: حدود ۲۸ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری برای توسعه میادین نفت، گاز و پتروشیمی ایران در نظر گرفته شده است. ایران متعهد شده نفت خام خود را با تثبات و به صورت بلندمدت در اختیار چین قرار دهد. این حجم سرمایه‌گذاری، حتی در سناریوهای محافظه‌کارانه، در مقایسه با وعده‌های اقتصادی برجام، دستاوردی واقعی و ملموس برای اقتصاد کشور به حساب می‌آید.

زیرساخت، حمل‌ونقل و صنعت: تقریباً ۱۲۰ میلیارد دلار برای توسعه زیرساخت‌ها، شبکه ریلی، بنادر (ازجمله جاسک)، پروژه‌های «یک کمربند-یک جاده»، فناوری، شبکه‌های 5G و صنعت خودرو اختصاص داده شده است.

به گزارش فارس در حالی که دهه ۱۳۹۰ ایران معطل مذاکرات با غرب بود، بسیاری از این پروژه‌ها به تعویق افتادند و خسارت اقتصادی قابل توجهی برجای گذاشتند. کارشناسان تخمین می‌زنند که عدم اجرای این قرارداد در دهه ۹۰، حداقل ۶۰ تا ۸۰ میلیارد دلار فرصت سرمایه‌گذاری و سود بالقوه را از کشور دریغ کرده است.

ویژگی‌های مالی و تجاری قرارداد

برخی منابع غیررسمی اعلام کرده‌اند که چین می‌تواند نفت، گاز و محصولات پتروشیمی ایران را با تخفیف حداقل ۱۲٪ نسبت به میانگین قیمت ۶ ماهه بنچ‌مارک خریداری کند و برای ریسک احتمالی، ۶ تا ۸٪ تخفیف اضافی لحاظ شود. محدودیت‌هایی برای پرداخت وجود دارد و ممکن است چین تا ۲ سال تأخیر در پرداخت داشته باشد. دسترسی شرکت‌های چینی به پروژه‌های نفت، گاز و پتروشیمی ایران تضمین شده است. تاکنون ۱۶ یادداشت تفاهم (MOU) در قالب این قرارداد امضا شده که بخش عملیاتی آن را اجرایی می‌کنند. در دهه ۱۳۹۰، ایران به امید بهره‌برداری از مزایای برجام، بخش زیادی از ظرفیت‌ها و فرصت‌های اقتصادی خود را به تعویق انداخت؛ اما قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین، در زمانی که نگاه به غرب هنوز محدودیت‌ها و ابهامات فراوان ایجاد می‌کرد، توانست مسیر واقعی توسعه را باز کند.

ماهیت قرارداد و محرمانه بودن اطلاعات

این سند یک توافقنامه استراتژیک و نقشه‌راه کلی است و نه یک قرارداد اجرایی با تعهدات قطعی. جزئیات اجرایی و مالی قرارداد در قالب قراردادهای تخصصی میان وزارتخانه‌ها و شرکت‌های طرفین مشخص خواهد شد. محرمانه بودن بخشی از اطلاعات، به‌ویژه در زمینه سازوکارهای پرداخت، به دلیل حفظ منافع ملی و کاهش آسیب‌پذیری در برابر عوامل غربگرای خارجی و داخلی کشور است.

در این میان، همکاری با چین به شرطی می‌تواند موفق باشد که ایران از حالت انفعالی خارج شود و مناسبات را با همترازی، شفافیت و چشم‌انداز بلندمدت تنظیم کند. سند ۲۵ ساله، این ظرفیت را دارد که به ایران امکان دهد در پروژه‌های زیرساختی بزرگ مانند بنادر، راه‌آهن، شبکه‌های فناوری 5G، صنعت خودرو و انرژی وارد شود؛ سرمایه‌گذاری‌ای که بر برخی گزارش‌ها مبلغی بین ۲۸۰ تا ۴۵۰ میلیارد دلار برای دوره ۲۵ ساله در حوزه انرژی و زیرساخت پیش‌بینی شده است. اما چالش آغاز مسیر کم نیست: گزارش‌ها حاکی است که سرمایه‌گذاری واقعی چین در ایران تاکنون بسیار کمتر از اهداف بوده است -برای مثال در فاصله ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۲، سرمایه‌گذاری چین در ایران تنها حدود ۶۱۸ میلیون دلار تخمین زده شده است. بنابراین، ضرورت دارد ایران با تدوین سازوکارهای روشن، تعیین شاخص‌های عملکرد، شفافیت در قراردادها و تضمین مشارکت شرکت‌های داخلی در اجرای پروژه‌ها، از آغاز تا انتها، گام بردارد.

برای بهبود این مناسبات و بهره‌گیری از فرصت‌های شرق چند پیشنهاد راهبردی می‌توان ارائه داد. یکی این که ایران باید نقش خود را به‌عنوان حلقه واسط منطقه‌ای تقویت کند: با توسعه شبکه‌های ترانزیتی، بنادر، خطوط ریلی و مسیرهای نوظهور تجارت شرق -غرب، ایران می‌تواند به «کریدور معتبر» تبدیل شود و نه صرفاً بازار یا تأمین‌کننده خام. گزارش‌ها در خصوص سند ۲۵ ساله به این بعد نیز توجه دارند. دوم این که باید به طور فعال‌تر تولید داخلی، فناوری و ارزش افزوده را در قراردادها جای دهد تا ایران از حالت صرفاً صادرکننده منابع خام خارج شود.

همکاری با شرکای شرقی باید منجر به بهره‌گیری از فناوری، انتقال دانش فنی، راه‌اندازی زنجیره‌های تولید مشترک و توسعه صنایع نوین گردد. سوم آنکه ایران باید برای کاهش ریسک سرمایه‌گذاری شرکای شرقی، محیط کسب‌وکار خود را بهبود دهد؛ شفافیت قراردادها، تضمین حقوق سرمایه‌گذاران، حفاظت از مالکیت معنوی، ثبات مقررات مالی و بانکی از جمله مؤلفه‌هاست. چهارم، ایران باید مسیرهای متنوع شرقی را فراتر از چین نیز بگستراند: همکاری با کشورهای هند، روسیه، آسیای میانه، شرق دور و جنوب شرق آسیا -ضمن چین- امکان ایجاد شبکه چندمحوره را فراهم می‌کند و ایران را از وابستگی یک جانبه دور می‌سازد.

در نهایت، ایجاد پیوندهای همه‌جانبه و متنوع با قدرت‌های شرقی می‌تواند به دو هدف راهبردی ایران کمک کند: نخست، کاهش آسیب‌پذیری نسبت به فضایی که عمدتاً حول محور غرب شکل گرفته و دوم، بهره‌برداری از ظرفیت‌های عظیم اقتصادی، صنعتی، فناورانه و ترانزیتی این قدرت‌ها. با اتخاذ سیاستی متوازن، مبتکرانه و بلندمدت، ایران می‌تواند از فرصت‌های توسعه عقب‌مانده خود جبران کرده و مسیر مؤثری برای ارتقای قدرت نرم و سخت ملی خود تعریف کند.

ماجراجویی جنگ‌افروز قرن در ونزوئلا

در حالی که «دونالد ترامپ» خود را رئیس جمهور صلح» می‌نامد، سیاست‌های جدید آمریکا در محیط پیرامونی این کشور از آغاز دومین دوره ریاست جمهوری ترامپ، تصویری متفاوت ارائه می‌دهد. رسانه‌ها و مقامات آمریکایی در پی درگیری در آب‌های پیرامونی این کشور، از هدف قرار دادن شناورهای متعدد و سرنشینانشان در چارچوب عملیات ارتش به دستور رئیس جمهور خبر می‌دهند که در حوزه کارائیب و شرق اقیانوس آرام با ادعای مبارزه با قاچاق مواد مخدر وارد عمل شده‌اند. به تازگی و هم‌زمان با انتشار تصاویر مانور تجهیزات نظامی آمریکایی در نزدیکی سواحل ونزوئلا، «آسوشیتدپرس» مدعی تلاش نافرجام آمریکایی‌ها برای دستگیری «نیکلاس مادورو» شده است؛ رئیس جمهوری که انگیزه اصلی اقدامات جدید آمریکا را دستیابی به نفت و گازو طلای ونزوئلا اعلام کرده است. از ژانویه ۲۰۲۵، دولت ترامپ مجموعه‌ای از تحریم‌های اقتصادی و عملیات‌های نظامی در حوزه کارائیب و اقیانوس آرام به همراه فشارهای سیاسی و دیپلماتیک را علیه کشورهایی مانند ونزوئلا، کلمبیا و همچنین مکزیک به اجرا گذاشته است؛ مجموعه اقداماتی که با شعار «اول آمریکا» توجیه می‌شود اما هدف واقعی آن، به گفته تحلیل گران، بازسازی «هژمونی» ایالات متحده در «حیاط خلوت» سنتی است این سیاست‌ها که با ادعای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و کنترل مهاجرت غیرقانونی آغاز شده، اکنون به بحرانی چندوجهی در منطقه بدل شده است.

بازگشت به یک دکترین

به گزارش ایرنا سیاست خارجی دولت ترامپ در آمریکای لاتین، ادامه‌ای از «دکترین مونرو» در قرن نوزدهم است؛ دکترینی که حضور هر قدرت خارجی در نیمکره غربی را تهدیدی علیه منافع ایالات متحده می‌دانست. در دوره نخست ریاست جمهوری ترامپ (۲۰۱۷ تا ۲۰۲۱)، تحریم‌های فراگیر علیه ونزوئلا موجب بحران‌های اقتصادی و مهاجرت بسیاری از این کشور شد؛ بحرانی که براساس اعلان برخی منابع، بزرگ‌ترین جابه‌جایی جمعیت در تاریخ آمریکای لاتین به شمار می‌رود.

درباره دکترین مونرو باید گفت که این دکترین در سال ۱۸۲۳ از سوی رئیس جمهور «جیمز مونرو» اعلام شد و براساس آن، دولت واشنگتن هرگونه مداخله قدرت‌های اروپایی در قاره آمریکا را تهدیدی علیه امنیت ملی خود دانست. در عمل اما این اصل به ابزاری برای تحکیم نفوذ ایالات متحده در نیمکره غربی تبدیل شد و کشورهای آمریکای مرکزی و جنوبی را به نوعی حیاط خلوت واشنگتن بدل کرد. از دید برخی ناظران، از آن زمان تا امروز، هرگاه دولت آمریکا با بن‌بست و چالش‌های بین‌المللی مواجه شده، به سیاست‌های مداخله‌گرانه در منطقه بازگشته است.

اکنون در آغاز دوره دوم ریاست جمهوری دونالد ترامپ، نشانه‌های بازگشت همان رویکرد تاریخی باشدت و صراحت بیشتری دیده می‌شود.

قدرت نظامی به جای ابزار دیپلماسی

با بازگشت ترامپ به قدرت در ژانویه ۲۰۲۵، کاخ سفید مسیر سخت‌گیرانه‌تری در پیش گرفت. بافرمان اجرایی شماره ۱۴۱۵۷، کارتل‌های مواد مخدر به‌عنوان «سازمان‌های تروریستی خارجی» معرفی شدند و مجوز اعزام نیروهای نظامی به مرز مکزیک و آب‌های کارائیب صادر شد. این تصمیم، به گفته ناظران، نه تنها بازتابی از سیاست امنیتی جدید آمریکا بلکه نشانه‌ای از جایگزینی کامل ابزار دیپلماسی با قدرت نظامی است.

براساس گزارش‌های منتشرشده، هدایت اصلی این سیاست‌ها در دست چهره‌هایی چون «مارکو روبیو» وزیر خارجه و «استفن میلر» مشاور ترامپ است؛ دوسیاستمداری که هر دو به رویکرد «قدرت سخت» و کاهش کمک‌های توسعه‌ای (USAID) باور دارند.

ترامپ مدعی است که آمریکای لاتین مسیر اصلی ورود «فنتانیل» به خاک ایالات متحده است؛ ماده‌ای که سالانه جان بیش از ۱۰ هزار آمریکایی را می‌گیرد اما داده‌های اداره مبارزه با مواد مخدر (DEA) مدعی است ۹۴ درصد فنتانیل از چین و مکزیک وارد می‌شود، نه از ونزوئلا.

ونزوئلا؛ کانون حملات ترامپ

در میان کشورهای هدف، ونزوئلا بیش از همه در معرض فشار قرار گرفته است. این کشور، با ذخایر نفتی عظیم خود، در کانون سیاست‌های تهاجمی واشنگتن قرار دارد. دولت ترامپ نظام سیاسی ونزوئلا را به «کارتل مواد مخدر» تشبیه کرده و شبکه موسوم به «کارتل دل سولس» را به فهرست سازمان‌های تروریستی خارجی افزوده است.

از اوت ۲۰۲۵، ناو هواپیمابر «جرالد فورد» به همراه ناوهای موشک‌انداز و چهار هزار و پانصد تفنگدار دریایی به آب‌های کارائیب اعزام شدند. هم‌زمان، تحریم‌های نفتی اندکی تعدیل شد تا برخی شرکت‌ها بتوانند در چارچوب خاصی فعالیت کنند، اما تعرفه‌های ثانویه ۲۵ درصدی علیه کشورهایی که از ونزوئلا نفت وارد می‌کنند، عملاً درآمد دولت مادورو را به شکل ملموسی کاهش داده است.

ترامپ همچنین جایزه دستگیری مادورو را به ۵۰ میلیون دلار افزایش داده و مجوز عملیات‌های محرمانه سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (CIA) را در خاک ونزوئلا صادر کرده است. در مقابل، مادورو با استفاده از رمزارزها تلاش کرده از سد تحریم‌ها عبور کند.

در این میان، چهره‌های مخالفی مانند «ماریا کورینا ماچادو» که در سال ۲۰۲۵ برنده جایزه صلح نوبل شد از حمایت مستقیم واشنگتن برخوردارند. موسسه «گروه بحران» (CrisisGroup) در گزارشی تازه این رویکرد را لغزشی خطرناک به سوی تغییر رژیم توصیف کرده و آن را در تضاد با وعده ترامپ مبنی بر عدم ورود به جنگ‌های جدید دانسته است.

کلمبیا؛ از هم‌پیمانی تاریخی تا جدال اقتصادی

کلمبیا، شریک سنتی آمریکا در مبارزه با مواد مخدر نیز از تبعات سیاست‌های تازه واشنگتن در امان نمانده است. تنش‌ها میان ترامپ و رئیس جمهور چپ‌گرای این کشور، «گوستاو پترو» پس از آن بالا گرفت که بوگوتا از پذیرش کامل مهاجران ونزوئلایی سر باز زد. در پی این اقدام، واشنگتن تعرفه ۲۵ درصدی بر واردات فولاد و مس از کلمبیا وضع کرد.

در ماه‌های اخیر، دو حمله موشکی آمریکا به قایق‌های مشکوک در اقیانوس آرام منجر به کشته شدن چند شهروند کلمبیایی شد؛ رویدادی که روابط دو کشور را به پایین‌ترین سطح در دهه‌های اخیر رسانده است. دولت ترامپ همچنین کمک‌های توسعه‌ای به کلمبیا را قطع کرده، اقدامی که به گفته پترو «نقض آشکار حاکمیت ملی» است.

ترامپ تهدید کرده در صورت همکاری نظامی کلمبیا با ونزوئلا، تحریم‌های تازه‌ای اعمال خواهد کرد. این فشارها بخشی از تلاش گسترده تر واشنگتن برای هم‌سویی دولت‌های منطقه با جناح‌های راست‌گرا از جمله «خاویر میلی» در آرژانتین و مهار نفوذ چین در آمریکای لاتین ارزیابی می‌شود.

به گزارش «سی‌ان‌ان» CNN، پیامد مستقیم این سیاست‌ها افزایش مهاجرت از کلمبیا و گسترش اعتراضات داخلی است؛ روندی که می‌تواند ثبات یکی از مهم‌ترین متحدان سابق آمریکا را به خطر اندازد.

مکزیک؛ مرز امنیتی یا خط آتش؟

در جبهه شمالی، مکزیک در مرکز طرح ترامپ برای کنترل مهاجرت و قاچاق فنتانیل قرار دارد. اعزام ۱۵۰۰ نیروی آمریکایی به مرز جنوبی، یکی از نخستین تصمیمات امنیتی کاخ سفید در دوره دوم ریاست جمهوری بود.

ترامپ از دولت «کلودیا شینبائوم» خواست ده هزار نیروی نظامی مکزیکی را در مرز مستقر کند و هم‌زمان تعرفه ۲۵ درصدی بر صادرات فولاد و آلومینیوم مکزیک وضع کرد. مکزیک نیز در برابر این فشارها مجبور به تحویل چندین رهبر کارتل‌ها به واشنگتن شد.

با وجود این، دولت مکزیک تاکنون از پذیرش مداخله مستقیم نظامی آمریکا در خاک خود خودداری کرده است. ترامپ برای توجیه این اقدامات، به توافقات تجاری استناد می‌کند اما برخی نهادها هشدار می‌دهند که نظامی سازی مرز نه تنها قاچاق را کاهش نمی‌دهد، بلکه به گسترش خشونت‌های کارتیلی منجر خواهد شد.

در سخنرانی‌های اخیر، ترامپ اعضای کارتل‌ها را «رزمندگان غیرقانونی» نامیده تا از این عنوان برای توجیه استفاده از نیروی مرگبار بدون حکم قضایی بهره گیرد؛ اقدامی که دامنه اختیارات اجرایی رئیس جمهور را به طور بی‌سابقه‌ای گسترش می‌دهد.

اهداف واقعی ترامپ از تنش‌زایی منطقه‌ای؛ مهار فنتانیل یا تغییر رژیم؟

دولت آمریکا سیاست‌های جدید خود را در قالب «جنگ با قاچاق مواد مخدر» و «کنترل مهاجرت» معرفی کرده است. ترامپ مدعی است ونزوئلا مسیر اصلی فنتانیل به آمریکا است و اقدامات نظامی واشنگتن در چارچوب دفاع مشروع انجام می‌شود. اما بررسی‌های «مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی» CSIS و «گاردین» نشان می‌دهد که هدف اصلی این سیاست‌ها، تغییر رژیم در کاراکاس و بازآفرینی نفوذ آمریکا در منطقه است.

از دید واشنگتن، سقوط دولت مادورو می‌تواند راه را برای تشکیل یک دولت نفت‌محور همسو با منافع شرکت‌های آمریکایی هموار کند. این رویکرد همچنین جنبه انتخاباتی دارد؛ زیرا حمایت از مخالفان مادورو در میان جوامع کوبایی تبار و کلمبیایی تبار فلوریدا محبوبیت زیادی برای ترامپ ایجاد می‌کند.

گاردین از این سیاست‌ها با عنوان «مونرو ۲.۰» یاد کرده و هشدار داده است که رویکرد یک جانبه ترامپ، منطقه را به عرصه‌ای از تنش‌های تازه بدل می‌کند.

جنگ با قایق‌های مواد مخدر؛ نمایش قدرت یا سیاست فشار؟

از سپتامبر ۲۰۲۵ دولت آمریکا عملیات موسوم به «جنگ با قایق‌های مواد مخدر» را آغاز کرده است. این عملیات شامل دست‌کم ۱۰ حمله موشکی به قایق‌های نیمه‌زیرآبی در آب‌های کارائیب و اقیانوس آرام بوده است. منابع «ان.پی.آر» NPR می‌گویند در سه مورد از این حملات، هیچ مدرکی از حمل مواد مخدر یافت نشده و بیش از ۳۰ نفر از سرنشینان، از جمله ماهیگیران غیرنظامی، کشته شده‌اند.

ترامپ این عملیات را دفاع از خود در برابر تهدید تروریستی توصیف کرده، اما رسانه‌هایی چون «ام.اس.ان.بی.سی» MSNBC آن را «جنگی غیرقانونی و بدون مجوز کنگره» دانسته‌اند. تحلیل «الجزیره» نیز نشان می‌دهد که این حملات بخشی از طرح فشار بر دولت مادورو برای واکنش نظامی و در نهایت توجیه حملات هوایی گسترده‌تر به زیرساخت‌های نفتی ونزوئلا است.

در شبکه‌های اجتماعی، رسانه‌های نزدیک به دولت ترامپ این عملیات را «نمایشی از بازگشت اقتدار آمریکا» خوانده‌اند، اما منتقدان هشدار می‌دهند که این اقدامات، منطقه را در مسیر یک درگیری گسترده‌تر قرار می‌دهد.

تبعات منطقه‌ای و جهانی سیاست‌های ترامپ

تحلیلگران پیامدهای اقدامات اخیر را در چند سطح و حوزه ارزیابی می‌کنند. در حوزه مسائل انسانی حملات دریایی و تحریم‌ها منجر به کشته شدن ده‌ها غیرنظامی و گسترش فقر در منطقه شده است.

از سوی دیگر، احتمال درگیری مستقیم با نیروهای ونزوئلایی و گروه‌های چریکی چون «ای.ال.ان» ELN افزایش یافته و خطر شکل‌گیری جنگ منطقه‌ای وجود دارد.

تعرفه‌های جدید تجارت با کلمبیا و مکزیک را مختل کرده و برخی کشورها را به سمت همکاری بیشتر با چین سوق داده است. روابط واشنگتن با متحدان دیرینه‌اش آسیب دیده و اعتبار بین‌المللی آمریکا زیر سؤال رفته است.

به نوشته «هیل» TheHill، این سیاست‌ها اگرچه در کوتاه‌مدت به ترامپ دستاورد تبلیغاتی می‌دهد، اما در بلندمدت می‌تواند منافع راهبردی واشنگتن را تضعیف کند.

رویکرد دولت ترامپ در آمریکای لاتین، گرچه با شعار مبارزه با قاچاق و دفاع از امنیت ملی آغاز شده، اما اکنون به نمایش قدرت و رقابت ژئوپلیتیک با چین و روسیه تبدیل شده است. گروه بحران در تازه‌ترین ارزیابی خود هشدار داده است که تداوم این مسیر، منطقه را در آستانه بی‌ثباتی عمیق قرار می‌دهد.

تحلیل گران معتقدند که واشنگتن با تکیه بر قدرت نظامی و بی‌اعتنایی به نهادهای چندجانبه، همان خطایی را تکرار می‌کند که در خاورمیانه مرتکب شد. در ظاهر، این سیاست‌ها برای مهار مهاجرت و قاچاق طراحی شده‌اند، اما در واقع ممکن است همان روندها را تشدید کنند. ترامپ در پی بازآفرینی چهره‌ای قدرتمند از آمریکا است، اما بهای این جاه‌طلبی ممکن است، بی‌ثباتی بلندمدت در نیمکره غربی و فرسایش